



**مجمع دینی بستک**  
**معاونت امور قرآنی**  
**کمیته آموزش شورای مکتبخانه**



**مجموعه کتابهای پایه ششم مکتبخانه**

**فصل زمستان**

# کتاب یاران پیامبر (۱)

(صلی اللہ علیہ وسلم)

## درس اول

### ابوبکر صدیق

أ) شناسنامه ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

نام: عبدالله

کنیه: ابوبکر

لقب: صدیق، عتیق

نام پدر: عثمان معروف به ابوقحافه

نام مادر: سلمی معروف به ام خیر

تاریخ و محل ولادت: حدود سه سال بعد از میلاد پیامبر - مکه

مکرمه

مدت خلافت: ۲ سال و ۳ ماه و ده روز

تاریخ و محل وفات: ۱۳ هجری - مدینه منوره ۶۳ سال

ب) ابوبکر قبل از ظهور اسلام

ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در زمان جاهلیت در میان مردم به امانت داری، پاکدامنی سخاوت، شجاعت و صداقت معروف بود و از فطرت پاک و ذکاوت ممتازی برخوردار بود و به همین دلیل بت پرستی را کاری احمقانه قلمداد می کرد و خوردن شراب را بر خود حرام می دانست. وی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی موقعیت خاصی داشت زیرا از بازرگانان موفق در تجارت

پارچه و پوشاک، از سران محبوب و مورد اعتماد جامعه قریش به شمار می‌رفت.

### ج) مسلمان شدن ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

هنگامی که خداوند محمد بن عبدالله را به پیامبری برگزید وی دوست صمیمی خود، ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را از جریان امر آگاه ساخت و اسلام را بر او عرضه کرد که ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نیز با توجه به شناختی که از پیامبر ﷺ داشت فوراً مسلمان شد. رسول خدا ﷺ در این باره فرمود: «مَا دَعَوْتُ أَحَدًا إِلَى الْإِسْلَامِ إِلَّا كَانَتْ عَنْهُ كِبْوَةٌ غَيْرَ أَبِي بَكْرٍ» یعنی: «هیچ کس را به اسلام فرا نخواندم جز اینکه یک نوع توقف داشت مگر ابوبکر که بی درنگ دعوتم را با دل و جان پذیرفت و ایمان آورد».

### د) دعوت به سوی اسلام

ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از ابتدای پذیرش اسلام بار سنگین دعوت سرّی را به دوش کشید و علیه کفر و شرک مبارزه کرد و دوستان مورد اعتمادش را به سوی اسلام فرا خواند و در نتیجه توسط وی افراد مهمی چون: «عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص، طلحه بن عبیدالله و زبیر بن عوام» به دین اسلام گرویدند. ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نه تنها مردم را به سوی اسلام دعوت می‌کرد بلکه با جان و مال خویش، از آن‌ها دفاع می‌نمود. از آن جمله مجموعه‌ای از بردگان را که به جرم مسلمان شدن

توسط اربابانشان شکنجه می‌شدند، با گران‌ترین قیمت خریداری نمود و به خاطر خوشنودی پروردگار، آنها را آزاد کرد خداوند در آیات: «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى \* الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى \* وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى \* إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى \* وَكَسُوفَ يَرْضَى \*» (لیل: ۱۷-۲۱) او و امثال او را به نیکی یاد نموده و به بهشت بشارت داد.

## درس دوم

### مقام و فضیلت ابوبکر صدیق

#### ۱- وزیر و مشاور رسول الله ﷺ

هر چند که پیامبر ﷺ همانند پادشاهان به صورت رسمی وزیر نداشت، اما عملاً ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ این نقش را ایفا می‌کرد زیرا رسول الله ﷺ پیوسته پیرامون مملکت اسلامی با او مشورت می‌کرد و هرگز احدی را بر او مقدم نمی‌داشتند لذا عرب‌های تمدن دیده ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را وزیر رسول الله ﷺ می‌نامیدند.

#### ۲- یار رسول خدا ﷺ در سفر تاریخی هجرت

وقتی که زمان هجرت به مدینه منوره فرا رسید پیامبر ﷺ قضیه را با ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در میان گذاشت و او را از میان یارانش برای همراهی در

این سفر سرنوشت‌ساز انتخاب کرد ابوبکر رضی الله عنه پس از شنیدن این خبر خوشحال شد و زمینه را برای سفر فراهم نمود.

قرآن کریم حساس‌ترین لحظات این سفر ماندگار را اینگونه ترسیم کرده است: «إِلَّا تَتَّصِرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَّا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۴۰)

### ۳- حضور در تمام جنگ‌ها همراه پیامبر ﷺ:

ابوبکر رضی الله عنه از معدود سربازانی است که در تمام جنگ‌ها در رباب پیامبر ﷺ قهرمانانه جنگید و تا آخرین لحظات مقاومت می‌کرد و به خصوص در جنگ بدر و حنین که بسیاری از یاران، از پیامبر ﷺ پراکنده شدند

### ۴- نماینده رسول الله ﷺ در مراسم حج:

پس از فتح مکه و آماده شدن زمینه شرکت مسلمانان در مراسم حج پیامبر ﷺ در سال نهم هجری ابوبکر صدیق رضی الله عنه را به عنوان سرپرست حجاج به اتفاق چند تن از مسلمانان به مکه فرستاد تا در مراسم حج خانه خدا شرکت کنند.

### ۵- نایب رسول الله ﷺ در امامت جماعت:

پیامبر ﷺ در واپسین روزهای عمر مبارکش سخت بیمار شد به گونه‌ای که نمی توانست در نماز جماعت شرکت کند بدین خاطر دستور داد تا ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ امام جماعت را به عهده بگیرد و با تاکید می فرمود: «مروا أبابکر فليصل بالناس»

## ۶ - روابط خانوادگی با رسول الله ﷺ:

ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از قبیله قریش و از طایفه بنی تیم است و از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار بود. رسول الله ﷺ بعد از وفات خدیجه کبری از دخترش عایشه صدیقه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا خواستگاری نمود و پس از هجرت با او ازدواج کرد.

## (و) شخصیت اخلاقی ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ:

ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ یکی از همنشینان و همدمان رسول الله ﷺ بود و همواره پیامبر ﷺ را الگوی خویش می دانست بدین ترتیب به اخلاق والایی نایل گشت در اینجا به نمونه هایی از آن اخلاق اشاره می کنیم:

۱- **فروتنی:** یکی از ویژگی های اخلاقی ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ تواضع و فروتنی بود. او در سلام کردن به دیگران عیادت بیماران و خدمت رسانی به بیچارگان پیش قدم می شد. مقام خلافت نه تنها اخلاقش را تغییر نداد بلکه او را متواضع تر از گذشته نمود. او از لحاظ لباس، خوراک و محل نشستن حتی در مجلس خلافت هیچگونه امتیازی بر دیگران نداشت و

همین ساده زیستی توأم با قدرت بود که پادشاهان عرب و رهبران قبایل را که به ملاقاتش می آمدند دگرگون می کرد به گونه ای که لباس خودبینی را خلع کرده و به زندگی متواضعانه روی می آوردند.

۲- **سخاوتمندی:** ابوبکر صدیق رضی الله عنه در گرم ضرب المثل بود و بی دریغ ثروت های خویش را در جهت پیشبرد اهداف دینی و خدمت رسانی به مسلمین هزینه می کرد.

عمر فاروق رضی الله عنه می فرماید: روزی پیامبر ﷺ ما را برای تجهیز سپاه تبوک به صدقه دادن دستور داد، اتفاقاً در آن روز مال فراوانی داشتم و با خود گفتم که امروز می توانم بیش از ابوبکر رضی الله عنه صدقه دهم لذا نصف مالم را به پیامبر ﷺ تقدیم کردم. پیامبر ﷺ فرمود: «ای عمر آیا برای خانواده ات چیزی گذاشته ای؟» گفتم: بله یا رسول الله، همین مقدار نیز در خانه دارم. پس از آن ابوبکر رضی الله عنه وارد شد و صدقه اش را به رسول الله ﷺ پرداخت کرد و پیامبر ﷺ پرسید: ای ابوبکر رضی الله عنه برای خانواده ات چه باقی گذاشته ای؟ گفتم: «أَبْقَيْتُ لَهُمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» یعنی: برای خانواده جز لطف خدا و محبت رسول خدا ﷺ چیزی نگذاشته ام.

پس از آن یقین پیدا کردم که هرگز از ابوبکر رضی الله عنه سبقت نگرفته و نخواهم گرفت.

۳- **قهرمانی:** تاریخ اسلام صحنه‌های شجاعانه‌ای را برای ایشان ثبت کرده است، او با وجود فروتنی در اخلاق و لاغرگی در بدن در میدان نبرد به شیر دلاور تبدیل می‌شد و علیه کافران می‌تاخت. در واقع ابوبکر رضی الله عنه جزو نگهبانان و فدائیان پیامبر ﷺ به شمار می‌آمد. او در جنگ بدر به صورت داوطلبانه مسئولیت خطرناک نگهبانی از سنگر فرماندهی لشکر اسلام را به عهده گرفت. همچنین پیامبر ﷺ مأموریت پرچمداری لشکر اسلام در غزوه تبوک را به او سپرد و هنگامی که در جنگ احد دشمنان کشته شدن پیامبر ﷺ را شایعه نمودند مسلمانان را به مقاومت فرا خواند و گفت: «زندگی بعد از پیامبر ﷺ به چه دردی می‌خورد؟ بمیرید بر آنچه رسول الله ﷺ بر آن مرد».

## درس سوم

### **ابوبکر و رحلت رسول الله ﷺ**

از آن جایی که رحلت پیامبر ﷺ امری ناگوار و بسیار سخت بود بسیاری از یاران پیامبر نتوانستند آن را تحمل کنند. اما هنگامی که خبر وفات رسول الله ﷺ به ابوبکر رضی الله عنه رسید فوراً خود را به اتاق ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها رساند و در کنار جنازه‌ی رسول الله ﷺ قرار گرفت و پیشانی اش را بوسید و گریه کنان گفت: «قسم به آنکه جانم در دست اوست رسول خدا ﷺ وفات یافته است سپس فرمود درود خدا بر تو باد ای فرستاده خدا! چه

پاکی، در هنگام زندگی و پس از مرگ». آن وقت با آرامش تمام به میان مسلمانان حیرت زده و پریشان حال رفت و خدا را ستود و سپس فرمود: «آگاه باشید هر کس که محمد ﷺ را پرستش می کرده به درستی که او وفات یافته و هر کس که خدا را می پرستد پس بداند که خداوند زنده و جاوید است و آیه: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» را تلاوت کرد. مردم پس از این سخنان آرامش خاصی یافته و به حالت طبیعی بازگشتند.

### أ) نخستین جانشینی پیامبر ﷺ:

یاران و تربیت شدگان مکتب پیامبر ﷺ به این باور رسیده بودند که هر گروهی باید رهبری داشته باشند به همین خاطر بدون تأخیر بعد از رحلت رسول الله ﷺ گروهی از بزرگان انصار و مهاجرین در مکانی به نام (سقیفه بنی ساعده) تجمع کردند تا کسی را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایند و سرانجام پس از بحث و تبادل نظر، ابوبکر رضی الله عنه را به عنوان نخستین خلیفه پیامبر ﷺ انتخاب کرده و با او بیعت نمودند. فردای این اجتماع عموم مسلمانان به مسجد نبوی آمدند و کنار منبر رسول الله ﷺ با ابوبکر رضی الله عنه بیعت کردند.

### ب) ابوبکر صدیق و مدیریت بحران:

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ فتنه ها و بحرانها از هر سو و با چهره های گوناگون آشکار شدند تا موجب اختلال و آشفتگی حکومت نوپای

اسلامی شوند اما صدیق اکبر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ با ایمان عمیق و تدابیر دقیق به مقابله با آنان برخاست و نابسامانی ها را سامان بخشید و پایه های حکومت اسلامی را محکم و استوار گرداند و ثابت نمود که به حق جانشین رسول خدا ﷺ است.

### ج) مهمترین معضلات در عهد ابوبکر صدیق عبارتند از:

۱- اعزام لشکر اسامه: نخستین کاری که ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در آغاز خلافت انجام داد، اجرای وصیت پیامبر ﷺ یعنی اعزام لشکر اسامه بن زید به سرزمین شام بود. برخی مردم از خلیفه رسول الله ﷺ خواستند تا اعزام این لشکر را به تأخیر اندازد، زیرا شرایط داخلی را نامساعد می دیدند. اما ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عذر موجهی برای مخالفت با دستور صریح و موکد پیامبر ﷺ نمی دید. لذا با قاطعیت به معترضین گفت: «به پروردگار متعال سوگند حتی اگر سگان و درندگان مرا برابیند به خود اجازه نخواهم داد که با دستور رسول الله ﷺ مخالفت ورزم». بالاخره لشکر به حرکت افتاد و بر اثر آن بسیاری از قبایل عرب به ترس و وحشت افتاده و از سوء قصدها و توطئه های خود دست برداشتند. پس از مدتی سپاه اسامه پیروزمندانه و با غنایم فراوان به مرکز خلافت بازگشت.

۲- حرکت فتنه و آشوب: این جریان پس از وفات پیامبر ﷺ شدیداً موج گرفت و با تحریک و حمایت های ابرقدرت های آن زمان

بسیاری از مناطق و قبایل عربستان را در کام خود بلعید. در واقع این حرکت را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود:

### **گروه اول: پیامبران دروغین:** آنان به قداست و مقام نبوت - که

منصبی الهی است - پی نبرده بودند و به منظور رسیدن به ریاست و برتری در جزیره العرب ادعای نبوت کرده و موجب فتنه و انحرافات چشمگیری در جامعه شدند، اما در نهایت خلیفه مسلمین توانست آنها را سرکوب کند. مشهورترین پیامبران دروغین عبارتند از: أسود عنسی، طلیحه اسدی و مسیلمه کذاب که خطرناک ترین آنها بود. زیرا توانست با زنی به نام سجاح تمیمی که او نیز ادعای پیامبری داشت متحد شود و لشکر نیرومندی را تشکیل دهد. در یمامه بین او و مسلمانان به فرماندهی خالد بن ولید جنگ سختی در گرفت که نهایتاً مسیلمه شکست خورد و به دست وحشی (قاتل سیدالشهداء حمزه) کشته شد.

### **گروه دوم: مرتدین:** کسانی بودند که به طور کلی از دایره اسلام

خارج گشته و به نیروهای دشمن ملحق شدند.

### **گروه سوم: مانعین زکات:** عده‌ای از مسلمانان که در مورد

پرداخت زکات برداشت باطلی داشتند و تصور می‌کردند که زکات فقط به رسول خدا ﷺ پرداخته می‌شده و پس از وی منقطع می‌گردد. بنابراین از پرداخت زکات به بیت‌المال خودداری نمودند.

ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ با یاران پیامبر ﷺ در خصوص چگونگی برخورد با این مسائل به مشورت پرداخت و سرانجام خلیفه مسلمین برای سرکوبی این گروه‌ها به مقابله برخاست و فرماندهانی مشهور مانند: خالد بن ولید، عمرو بن عاص، عکرمه بن ابوجهل، شرحبیل بن حسنه، علاء بن حضرمی و ... را به جبهه‌های مختلف اعزام نمود و به این ترتیب توانست ثبات و امنیت و یکپارچگی را به جامعه اسلامی بازگرداند.

## درس چهارم

### **فتوحات در عهد ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ**

در اوایل سال دوازدهم هجری خلیفه رسول الله ﷺ توانست شعله‌های فتنه و فساد داخلی را خاموش نماید و اهتمام خود را به گسترش دین اسلام در خارج از شبه جزیره عربستان صرف کند و در این راستا با حکومت‌های خارجی که سد راه دعوت و آزادی مردم بودند مبارزه کرد. بنابراین دو جبهه مهم خارجی به وجود آمد:

**۱- جبهه عراق:** در آن زمان اقلیم عراق قسمتی از خاک امپراطوری ساسانیان ایران بود و زیر سلطه‌ی آن‌ها به سر می‌برد ابوبکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به فکر فتح آن دیار افتاد و برای انجام این مأموریت لشکری نیرومند به فرماندهی خالد بن ولید رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اعزام نمود. خالد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ توانست در مدت

اندکی قسمت وسیعی از خاک عراق را آزاد نمایند و در جنگ‌های دشواری سرداران مشهور ساسانیان مثل بهمن و هرمز را شکست دهد و شهرهایی از قبیل حیره، انبار، عین تمر و دومه الجندل را فتح نماید.

**۲- جبهه‌ی شام:** سرزمین شام زیر سلطه امپراتوری روم شرقی (بیزانس) به سر می‌برد. ابوبکر رضی الله عنه به خاطر گسترش اسلام و رهایی مردم، لشکری به فرماندهی ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه تدارک دید و آن را به سوی شام اعزام کرد. این لشکر در جبهه‌های متعدد با ارتش روم جنگید اما نتوانست به نتیجه مطلوبی برسد. سپس سرداران مسلمین در مکانی به نام یرموک اردو زدند و به مشورت و چاره اندیشی پرداختند در این هنگام به دستور ابوبکر رضی الله عنه، خالد بن ولید رضی الله عنه به عنوان فرماندهی جدید لشکر از جبهه عراق به این منطقه اعزام شد و پس از اتخاذ تدابیر لازم جنگ هولناکی رخ داد و خداوند مسلمانان را پس از تحمل دشواری‌ها و به نمایش گذاشتن نیروی ایمان، شکیبایی و فداکاری بر لشکر روم پیروز گرداند. در این جنگ تعداد زیادی از مسلمانان به شهادت رسیدند که مشهورترین آنها را می‌توان عکرمه بن ابی جهل رضی الله عنه نام برد.

## مهمترین اقدامات ابوبکر صدیق:

۱- جمع آوری قرآن کریم: در طی جنگ‌هایی که بین مسلمانان و شورشیان صورت گرفت تعداد زیادی از حفاظ قرآن کریم به شهادت رسیدند. این امر باعث شد که عمر به فکر جمع آوری قرآن بیفتد و آن را به خلیفه رسول الله پیشنهاد دهند. ابوبکر پس از قبول این پیشنهاد، مسئولیت سنگین جمع آوری را به عهده یکی از برجسته‌ترین حافظان قرآن یعنی زید بن ثابت سپرد. او پس از تلاش‌های صادقانه توانست با همکاری تنی چند از حافظان قرآن آیات پراکنده‌ی قرآن را در یک مصحف جمع آوری کند و آن را به خلیفه مسلمین تحویل دهد.

۲- معرفی عمر فاروق برای خلافت: بزرگان صحابه قبل از رحلت ابوبکر صدیق از او خواستند تا فردی را پس از خود به عنوان خلیفه معرفی نماید پس از مشورت و با در نظر گرفتن موقعیت خلافت، عمر بن خطاب را به عنوان بهترین و مناسب‌ترین فرد معرفی کرد و در وصیت نامه خود او را به عنوان نامزد خلافت پیشنهاد داد.

وفات ابوبکر صدیق رضی الله عنه: حضرت ابوبکر رضی الله عنه در آخرین روزهای زندگی به سرماخوردگی شدیدی مبتلا شد و در سن ۶۳ سالگی به لقاء حق شتافت. مسلمانان به امامت عمر رضی الله عنه بر جنازه ابوبکر رضی الله عنه

نماز خواندند و طبق وصیتش در جوار مرقد رسول الله ﷺ در حجره ای ام  
المومنین عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا به خاک سپرده شد.

## درس پنجم

### عمر بن الخطاب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

(أ) شناسنامه عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ:

نام: عمر

کنیه: أبو حفص

لقب: فاروق – امیرالمومنین

نام پدر: خطاب بن نُفَيْلِ عَدَوِي

نام مادر: حنتمه بنت هاشم مخزومی

تاریخ و محل ولادت: حدود ۱۳ سال بعد از میلاد پیامبر ﷺ در مکه

مکرمه

مدت خلافت: ۱۰ سال و ۶ ماه و ۴ روز

تاریخ و محل شهادت: ۲۳ هجری در مدینه منوره

سن: ۶۳ سال

## ب) عمر در زمان جاهلیت

در خانواده اصیل بنی عدی، چشم به جهان گشود و بر شجاعت و شهامت پرورش یافت. او یکی از اشراف و رهبران قریش بود که در هنگام بروز اختلاف و درگیری میان قبایل، مسئولیت میانجیگری به عهده داشت و آنان را از راه مذاکره به صلح و آشتی دعوت می نمود. وی نسبت به مقدسات قریش و فرهنگشان تعصب خاصی داشت و به همین دلیل در کوچه پس کوچه های مکه، برای پیامبر ﷺ مزاحمت ایجاد می کرد و به پیروانش آزار و اذیت می رساند. در دوران جوانی به تجارت و سیر و سفر مشغول بود و در اسب سواری مهارت خاصی داشت.

ج) **مسلمان شدن عمر بن خطاب** رضی الله عنه: او در سال پنجم یا ششم و تقریباً در سن ۳۰ سالگی مسلمان شد. مشهورترین داستان اسلام آوردن عمر رضی الله عنه بدین گونه است:

روزی عمر رضی الله عنه شمشیرش را به دوش گرفته و به قصد کشتن پیامبر ﷺ از خانه بیرون آمد. در بین راه با شخصی به نام نعیم بن عبدالله روبرو شد نعیم از او پرسید: به کجا می روی؟

- نزد محمد ﷺ می روم. نزد آن کسی که میان قریش تفرقه انداخته است و دینشان را معیوب ساخته؛ تا او را بکشم.

- مگر تصور می کنی که پس از قتل محمد ﷺ، بنی هاشم تو را زنده خواهند گذاشت؟

- فکر می کنم که تو از آیین قریش برگشته ای!

- آیا بهتر نیست که اول به فکر خواهرت و شوهرش باشی؟  
- منظورت چیست؟

- آری خواهرت فاطمه و پسر عمویت سعید بن زید مسلمان شده و به دین محمد ﷺ پیوسته اند.

عمر خشمگین شد و با هیجان به سوی خانه آنان شتافت در حالی که شخصی به نام خباب بن ارت نزدشان بود و برایشان آیاتی از قرآن تلاوت می کرد. چون از ورود عمر با خبر شدند خباب مخفی شد و فاطمه نیز صحیفه را پنهان کرد.

عمر که صدای نغمه های قرائت خباب را شنیده بود پرسید این صدای چه بود؟ گفتند چیزی نیست. عمر گفت: به خدا قسم صدایی شنیدم و می دانم که شما تابع دین محمد ﷺ شده اید.

سپس به شوهر خواهرش (سعید) حمله کرد. فاطمه این صحنه را تحمل نکرد و به دفاع از شوهرش برخاست.

عمر سیلی به او زد، سرش به دیوار خورد و صورتش خون آلود شد. سعید و فاطمه با شجاعت گفتند: آری ای عمر ما مسلمان شده ایم.

اکنون هر چه می خواهی بکن. عمر که شهادت ایشان را مشاهده کرد پشیمان شد لحظاتی به فکر فرو رفت و سپس با لطافت و مهربانی به خواهرش گفت: آن صحیفه که می خواندید به من بدهید تا بینم محمد ﷺ چه می گوید!

فاطمه گفت: می ترسم آن را پاره کنی یا به من پس ندهی! عمر سوگند یاد کرد که آن را برگرداند. پس از آن صحیفه را از فاطمه گرفت و آیات اوایل سوره «طه» را با دقت خواند. از بیان شیوای آن به وجد آمد و گفت چه کلام زیبایی.

خواب که ستایش عمر را شنید از مخفیگاه خارج شد و گفت: ای عمر دیروز از پیامبر ﷺ شنیدم که می گفت: «خداوندا دین اسلام را با ایمان آوردن یکی از دو مردی که نزد تو محبوب ترند عمر بن خطاب یا عمرو بن هشام (ابوجهل) تقویت کن». و من امید دارم که برکت دعای پیامبر ﷺ شامل حال تو گردد.

عمر گفت: مرا به نزد محمد ﷺ راهنمایی کنید تا اسلام آورم. خواب گفت ایشان در خانه ارقم بن ابی ارقم هستند. عمر شمشیرش را به گردن آویخت و به خانه ارقم رفت و در را کوبید. یکی از یاران پیامبر ﷺ برخاست و چون از شکاف در نگاه کرد عمر را

دید. وحشت زده و سراسیمه به سوی پیامبر ﷺ شتافت و گفت: عمر بن خطاب است و شمشیر نیز به دست دارد.

حمزه که در جمع یاران بود گفت: ای رسول خدا ﷺ اجازه دهید تا وارد شود اگر قصد خوبی داشته باشد او را گرامی می داریم و اگر چنانچه در خیال آزارمان باشد او را با شمشیرش خواهیم کشت.

پیامبر ﷺ اجازه ورود داد. عمر که وارد شد پیامبر ﷺ به طرف او برخاست و جامه اش را سخت تکان داد و گفت: آیا وقت آن نرسیده که مسلمان شوی و خود را از تاریکی های جاهلیت آزادسازی؟!

عمر گفت: بله من آمده ام تا به خدا و رسولش ایمان بیاورم سپس کلمه لا إله إلا الله محمد رسول الله را بر زبان جاری کرد. در این هنگام پیامبر ﷺ و یارانش با صدای بلند تکبیر گفتند و از مسلمان شدن او اظهار سرور و شادی نمودند.

آری اینگونه آیات قرآن کریم قساوت و ناخالصی های دلها را می زدود و با تحریک فطرت و بصیرت، درون انسان خفته را بیدار می کرد و او را دگرگون می ساخت.

عمر رضی الله عنه پس از مسلمان شدن به پیامبر ﷺ چنین گفت: ای رسول خدا بدون شک ما مسلمانان بر حقیم و آنان بر باطل اند و چه زیباست اگر

دعوت سری را پایان دهیم و شعایر دینی خویش را در کنار خانه خدا علنی  
برگزار نماییم.

چون پیامبر خدا ﷺ زمینه را برای ظهور اسلام و اعلام موجودیت آن،  
مساعد دید؛ دستور داد که مسلمانان در دو صف منظم که در یکی  
عمرؓ و دیگری حمزهؓ قرار داشت به سوی مسجد الحرام رفته  
تا در آنجا به شعائر دینی پردازند.

پس از این پدیده، پیامبر عمرؓ را لقب فاروق داد زیرا به سبب  
مسلمان شدنش مسلمانان در جامعه مکی به موقعیت برتری دست یافتند و  
حق از باطل آشکار گردید.

مسلمان شدن عمرؓ موجب عزت و اقتدار مسلمانان شد به دلیل  
آن که از شخصیت قوی و پایگاه اجتماعی ممتازی برخوردار بود همانگونه  
که یکی از یاران پیامبر ﷺ به نام عبدالله بن مسعودؓ می فرمود: «مَا زِلْنَا  
أَعِزَّةً مُنْذُ أَسْلَمَ عُمَرُ». ترجمه: «ما عزت و اقتدار یافتیم از آن گاه که  
عمرؓ مسلمان شد».

### هجرت عمر فاروقؓ:

پیامبر ﷺ مسلمانان را به هجرت دستور داد تا از فضای طاقت فرسای  
مکه رهایی یابند و بتوانند آزادانه در دیار جدید خویش مدینه به حفظ  
عقیده و گسترش دعوت اسلام پردازند. بنابراین مسلمانان با احتیاط کامل

و به صورت مخفیانه مکه را ترک گفتند و به خاطر رضایت پروردگار متعال خانه و کاشانه، اموال و املاک خویش را رها نمودند.

عمر رضی الله عنه نیز یکی از این مهاجرین بود، اما شیوهی هجرت او با دیگران تفاوت داشت در واقع تنها کسی بود که به صورت آشکار هجرت نمود.

وقتی تصمیم گرفت وارد مسجدالحرام شد و پس از طواف کعبه در مقام ابراهیم نماز خواند. پس از آن به سوی مشرکین رفت و به آنان چنین گفت: «زشت و قبیح باد چهره‌هایی که می بینم. بدانید که هم اکنون قصد هجرت دارم و هر کس می خواهد مادرش به داغش بنشیند، فرزندانش بی پدر شوند و همسرش بیوه گردد مرا تعقیب کند».

اما پاسخ فریاد مبارزه طلبی او از سوی مشرکان جز سکوت نبود.

## درس ششم

### مقام و فضیلت عمر رضی الله عنه

۱- وزیر و مشاور رسول الله ﷺ: عمر رضی الله عنه یکی از شاگردان برجسته‌ی پیامبر ﷺ بود که در رأی و دورانیشی مهارت داشت به گونه‌ای که در بسیاری از موارد آیات قرآنی در تایید نظریه او نازل می شد. بنابراین پیامبر ﷺ پیرامون قضایای مهم جامعه اسلامی با او مشورت می کرد و در

بیان توانایی رأی و نظر او چنین فرمود: «لَقَدْ كَانَ فِيمَا قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ مُحَدِّثُونَ فَإِنْ يَكُ فِي أُمَّتِي أَحَدٌ فَإِنَّهُ عُمَرُ». یعنی: «در امت‌های پیشین، کسانی بودند که حقایق به آنان الهام می شد، پس اگر در امتم چنین باشد، همانا او عمر است».

**۲- حضور در رکاب پیامبر ﷺ در تمام جنگ ها:** در تمام غزوه‌ها به عنوان یک افسر شجاع قهرمانانه جنگید و تا آخرین لحظات نبردهای سختی مثل احد و حنین مقاومت کرد. وی از محافظین سنگر فرماندهی پیامبر در جنگ بدر بود و عملاً بیزاری خویش از مشرکان و وابستگی به خدا و رسول او را به نمایش گذاشت.

**۳- عظمت روح و ایمان:** عمر رضی الله عنه علاوه بر داشتن جثه‌ای تنومند، از عظمت روحی و نیروی ایمان سرشاری برخوردار بود، به طوری که شیطان لعین جرأت مقابله با او را نداشت و از راه او گریزان و فراری بود. زیرا پیامبر ﷺ در این باره فرمود: «يَا ابْنَ الْخَطَّابِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا لَقِيكَ الشَّيْطَانُ سَالِكًا فَجًّا قَطُّ إِلَّا سَلَكَ فَجًّا غَيْرَ فَجِّكَ». ترجمه: «ای پسر خطاب؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست؛ هرگز شیطان تو را در حال پیمودن راهی نیابد جز اینکه به راهی دیگر منحرف شده و آن را در پیش گیرد».

و به قول شاعر:

هر که ترسید از حق و تقوا گزید

ترسد از وی جن و انس و هر که دید.

#### ۴- برقراری روابط خانوادگی با پیامبر ﷺ و علی رضی الله عنهما :

ا) روابط خانوادگی با رسول الله ﷺ: حفصه دختر عمر رضی الله عنهما پس از وفات شوهرش بیوه شد اما طولی نکشید که پیامبر خدا ﷺ در سال سوم هجرت با او ازدواج کرد و با این ازدواج، عمر رضی الله عنهما نهایت عنایت پیامبر ﷺ را به خود احساس نمود.

ب) ازدواج عمر رضی الله عنهما با دختر علی و فاطمه رضی الله عنهما: در سال هفدهم هجری خلیفه مسلمین عمر رضی الله عنهما از ام کلثوم دختر علی و فاطمه زهرا رضی الله عنهما خواستگاری نمود و پس از رضایت پدرش با او ازدواج کرد و به خاطر علاقه مندی به این وصلت و با در نظر گرفتن شأن و منزلت ام کلثوم مهریه او را ۴۰ هزار درهم قرار داد و پیوسته با عشق و احترام خاص با او رفتار می کرد. در واقع این پیوند موفقیت آمیزترین و آخرین ازدواج عمر بود نتیجه این ازدواج یک پسر به نام زید اکبر و یک دختر به نام رقیه بود.

#### شخصیت اخلاقی عمر فاروق رضی الله عنهما: رسول خدا ﷺ نسبت به

عمر رضی الله عنهما الفت و محبت خاصی داشت و به همین دلیل او مدام در خدمت و همنشینی پیامبر ﷺ به سر می برد و توانست از باغ معرفت و

اخلاقیات آن بزرگ مرد دسته گل های رنگارنگ و خوشبویی را بچیند و زندگی خویش را با آن مزین نماید.

۱- صاحب نظر و اهل مشورت: قبلاً به این نکته اشاره نمودیم که عمر رضی الله عنه اهل رأی و نظر بود و در آن مهارت خاصی داشت. اما این بدین معنا نیست که او با دیگران مشورت نمی کرد یا مستبد و خود رأی بود بلکه برعکس، او به مشورت بسیار اهمیت قائل شد و آن را یکی از ارکان نظام خلافت اسلامی دانست؛ و معتقد بود که خلافت و امارت اسلامی بدون مشورت امکان پذیر نیست و در این زمینه چنین می گفت: «لَا خِلَافَةَ إِلَّا عَنِ مَشُورَةٍ».

بنابراین بزرگان مهاجرین و انصار که اهل تعهد و تخصص بودند در قالب شورای مؤمنین جمع می کرد و از علم و تجربیات آنان در جهت پیشبرد اهداف اسلامی و رسیدگی به قضایای امت اسلام استفاده می نمود. شخصیت هایی چون عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، عبدالرحمن بن عوف، معاذ بن جبل، اُبی بن کعب، زید بن ثابت، بلال حبشی، زبیر بن عوام، طلحة بن عبید الله، عبدالله بن عمر رضی الله عنهم را می توان از مشاورین اصلی امیرالمؤمنین رضی الله عنه ذکر نمود.

۲- زهد و قناعت: عمر رضی الله عنه یکی از پارسایان و قناعت پیشه گان تاریخ اسلام است که با گفتار و کردارش درس پارسایی و ساده زیستن را

به همه آموخت و با تعلق شدیدی که نسبت به آخرت داشت، توانست بسیاری از صحابه را در میدان مسابقه جا بگذارند و پیش از آنان قله‌ی زهد و قناعت را فتح نماید.

با وجود آن‌که در عصر خلافتش تمدن اسلامی و اقتدار مسلمین به اوج رسید و ابرقدرت‌هایی مثل شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم تسلیم اراده مسلمانان شدند، اما وی به عنوان شخص اول مملکت خود را نباخت و خط مشی سیاسی و روش زندگی خویش را مطابق سنت و سیره پیامبر ﷺ و ابوبکر رضی الله عنه بنا نهاد و پیوسته نسبت به تجملات دنیا و رفاهیات زندگی بی‌میل و علاقه بود.

روزی دخترش، أم المومنین حفصه رضی الله عنها به او گفت: ای امیر مؤمنان اکنون که خداوند بر مسلمانان منت نهاده و خیرات و نعمت‌های فراوانی نصیب‌شان کرده است چرا خود را از خوشی‌های زندگی بی‌بهره کرده‌اید و این همه رنج‌ها را تحمل می‌کنید؟ چه جالب است اگر لباس بهتری بپوشی و خوراک بهتری بخوری و معیشت راحت‌تری داشته باشی!؟

عمر رضی الله عنه خاطرات سخت دوران پیامبر ﷺ و صدیق رضی الله عنه و همچنین قناعت و ساده‌زیستی آن دو را یادآوری کرد تا آنکه حفصه رضی الله عنها به گریه افتاد و اشک از چشمانش سرازیر شد. سپس به او گفت: ای حفصه من می‌خواهم در بهشت نزدشان باشم و برای رسیدن به

آن دو باید راه و روششان را دنبال کرده و ذره‌ای از جاده آنان منحرف نشوم.

۳- حق طلبی و عدالت خواهی: یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ حق‌گویی و حق خواهی است. او از گفتار حق ابا نداشت و برای احقاق آن با صداقت و صراحت لهجه سخن می‌گفت و نیز از ملامت سرزنش‌کنندگان نمی‌هراسید.

فاروق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در برقراری عدالت اجتماعی ضرب‌المثل بود و در سراسر جهان به این فضیلت معروف بود. او در واقع الگویی است برای هر حاکمیتی که خواهان گسترش عدالت در جامعه باشد.

وی با دید یکسان و مساوی به مردم نگاه می‌کرد و بین خود و آنان هیچگونه واسطه و نگهبانی قرار نمی‌داد. قبل از اینکه فردی برای امانت تعیین کند، امانت و شایستگی‌اش را مورد آزمایش قرار می‌داد و پس از اعطای مسئولیت، بر عملکرد او نظارت داشت. هرگاه برای مردم فرمانی صادر می‌کرد: خویشاوندان خود را جمع می‌نمود و آنان را هشدار می‌داد که اگر از قوانین تخلف نمایند نه تنها مورد مجازات قرار می‌گیرند بلکه مورد مواخذه و تنبیه دوچندان قرار خواهند گرفت.

او به منظور گسترش فرهنگ عدالت اجتماعی علاوه بر احساس مسئولیت شدیدی که نسبت به این قضیه داشت تدابیری اتخاذ نمود که مهمترین شان از این قرار است:

**أ) تاسیس مرکز نظارت و تحقیق:** امیرالمومنین نهادی را به قصد نظارت بر عملکرد مقامات دولتی و رسیدگی به شکایت مردم علیه آنان، تأسیس نمود و مسئولیت آن را به عهده یکی از بزرگان صحابه به نام محمد بن مسلمه رضی الله عنه سپرد. این مرکز بصورت سازمان یافته و مستقل بر کارهای والیان نظارت داشت و نتیجه بررسی ها را به خلیفه اعلام می کرد.

**ب) الزام شرکت مقامات در مراسم حج:** عمر رضی الله عنه والیان ایالات را همه ساله ملزم می کرد تا به اتفاق خلیفه در مراسم حج شرکت نمایند تا اگر مردم از آن شکایت داشته باشند در ملاء عام مورد بررسی قرار گیرد و حق به حق دار برسد.

**ج) اعلام خط مشی سیاسی والیان:** روزی خلیفه مسلمین به صورت رسمی بر منبر رسول خدا ﷺ چنین اعلام کرد که: ای مردم قسم به خدا ما استانداران و مدیران را به ایالات نمی فرستیم جز به اینکه کتاب خدا و سنت رسولش را به شما بیاموزند و با حق و عدالت حکومت نمایند؛ اکنون اگر کسی روش دیگری را در پیش گیرد و ظلم روا بدارد. ما را از

اوضاع آگاه سازید تا رسیدگی کنیم و مسئول مقصر را مورد مواخذه قرار دهیم.

### نمونه هایی از عدالت فاروق:

۱- مساوات در برابر قانون: زمانی که عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ استاندار ایالت مصر بود، مسابقه اسب دوانی برگزار شد. در این مسابقه اسب محمد پسر استاندار در دست یکی از سوارکاران بود. در جریان مسابقه یکی از اسبها که شباهت زیادی با اسب محمد داشت از بقیه اسبها سبقت گرفت، محمد فکر کرد که اسب اوست که برنده شده است لذا گفت: به پروردگار کعبه سوگند که اسب من جلو افتاد اما صاحب اصلی آن اسب که یکی از قبطیان بود فریاد زد و گفت: به خدا قسم که اسب من برنده شده است.

محمد از خشم تازیانه‌ای به او زد و گفت: بگیر! من اشراف زاده هستم، مرد قبطی به خلیفه مسلمین شکایت برد. خلیفه عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و فرزندش را به مدینه احضار کرد و پس از محاکمه به مرد مسیحی گفت: این تازیانه را بگیر و اشراف زاده را بزن! آن مرد قصاص خود را گرفت. سپس خلیفه مسلمین به عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ چنین گفت: «مَتَى اسْتَعْبَدْتُمُ النَّاسَ وَقَدْ وُلِدْتُهُمْ أُمَّهَاتُهُمْ أَحْرَاراً» یعنی: «ای عمرو! از کی مردم را برده قرار داده‌اید حال آن که از مادرانشان آزاد متولد شده‌اند».

## ۲- رفع محرومیت از جامعه:

در سال ۱۸ هجری که بحران قحطی سرزمین عربستان را فرا گرفت و مردم بر اثر خشکسالی در شدت فقر و فلاکت به سر می بردند او قبل از هر چیز قحطی را به خانه خود برد، یعنی سوگند یاد نمود که تا رفع آثار کلی خشکسالی تنها غذایی بخورد که افراد فقیر به آن دسترسی داشته باشند تا با تحمل فشار، محرومیت جامعه را لمس نماید و شب و روز برای رفع آن کوشا باشد.

## ۳- حمایت از اقلیت های دینی:

عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به خاطر آگاهی بیشتر از اوضاع مردم و حمایت از بیوایان، از منزل خارج می شد و اطراف و گوشه های شهر را بازدید می کرد. روزی از روزها پیر مردی را دید که کنار خانه ای ایستاده و گدایی می کرد. عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به سوی او رفت و از هویت و حالش پرسید. او گفت: یکی از رعایای یهودی هستم و چون پیر و ناتوان گشته ام نیاز به کمک دارم. عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ او را با خود به خانه برد و از او پذیرایی کرد. سپس به یارانش گفت: در ایام جوانی این پیرمرد طبق قانون اسلام از او جزیه گرفتیم. اکنون که پیر و ناتوان شده روا نیست که او را به حال خود رها سازیم. این پیرمرد و امثال او در بیت المال مسلمین سهم دارند و نباید آنان

را فراموش کرد. پس از آن او را به بیت المال معرفی کرد تا از بیت المال به او کمک شود.

## درس هفتم

### **چگونگی به خلافت رسیدن عمر رضی الله عنه**

پس از دفن پیکر ابوبکر رضی الله عنه بی درنگ بزرگان صحابه که خبرگان امت بودند تشکیل جلسه دادند و پیرامون وصیت نامه‌ی ابوبکر صدیق رضی الله عنه به بحث و تبادل نظر پرداختند، آنان به اتفاق آراء صلاحیت عمر رضی الله عنه را تأیید نموده و به او رأی اعتماد دادند. سپس عموم مردم به خلافت عمر رضی الله عنه بیعت دادند و رفته رفته او در میان مردم به امیرالمؤمنین معروف شد. بدین ترتیب عمر بن خطاب رضی الله عنه در روز سه‌شنبه ۲۲ جمادی الثانی سال ۱۳ هجری در سن ۵۳ سالگی به عنوان دومین جانشین پیامبر ﷺ انتخاب گردید.

### **ظهور تمدن اسلامی:**

امیرالمؤمنین برای تثبیت ارکان نظام اسلامی دست به ایجاد سازمان‌ها و تأسیسات مهمی زد و با ابتکار به جامعه سنتی عرب، خدمات فراوانی ارائه داد و توانست جامعه‌شان را به یک جامعه متمدن تبدیل نماید.

## مهمترین اقدامات در این زمینه عبارتند از:

۱- تقسیمات اداری: در عهد خلافت فاروق رضی الله عنه قلمرو حکومت اسلامی به صورت چشمگیری گسترش پیدا کرد و خلافت بزرگ اسلامی تشکیل شد. چون مرکز خلافت با آن تشکیلات ساده‌ای که رایج بود نمی‌توانست اداره امور مملکت را در دست بگیرد، امیرالمومنین مملکت را به روش امپراطوری آن زمان به چندین ایالت تقسیم کرد و به خاطر نشر تعالیم و دفاع از مصالح خلافت و مردم، استاندارانی تعیین نموده و آنان را به آن مناطق اعزام کرد.

شخصیت‌هایی مثل سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه در کوفه، عمرو بن عاص رضی الله عنه در مصر، مغیره بن شعبه رضی الله عنه در بصره، یزید بن ابی سفیان رضی الله عنه در فلسطین و برادرش معاویه رضی الله عنه در مناطقی از شام، مشهورترین والیان عمر به شمار می‌آیند.

۲- توسعه دستگاه قضایی: عمر فاروق رضی الله عنه به منظور گسترش عدالت اجتماعی، حل و فصل دعاوی و رسیدگی به شکایات مردمی، قاضیان متعهد و کاردان را به ایالت‌ها اعزام می‌کرد. این قاضیان به صورت مستقل و به دور از سلطه سیاست والیان آن مناطق، انجام وظیفه نموده و توانستند در برقراری عدالت و امنیت جامعه نقش بسزایی ایفا نمایند.

مشهورترین آنان عبارتند از:

۱- شریح بن حارث کنندی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (قاضی کوفه)

۲- ابو موسیٰ اشعری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (قاضی بصره)

۳- قیس بن ابی عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (قاضی مصر)

۳- تأمین امنیت داخلی: عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ برای تأمین امنیت داخلی، تدابیری

اتخاذ کرد که در اینجا به مهمترین شان اشاره می شود:

أ) تبعید گروه های توطئه گر: عمر فاروق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ با توجه به وصیت پیامبر ﷺ، یهودیان خیبر و عیسویان نجران را با رعایت حقوق انسانی شان به شام و عراق تبعید کرد و بدین ترتیب شبه جزیره عربستان را از عوامل آشوب طلب و فتنه انگیز پاکسازی نمود.

ب) استقرار پایگاه پلیس در مکان های حساس و کم امنیت.

ج) عدم اجازه اقامت برای اسیران جنگی ممالک فتح شده در مرکز

خلافت. مگر در صورتی که آنان مسلمان شوند.

۴- سر و سامان بخشیدن به نظام امور مالی: در زمان خلافت

عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فتوحات اسلامی توسعه یافت و ثروت و غنایم جنگی فراوانی از هر سو به مدینه سرازیر می شد. عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ لازم دید که در این مسئله تحولی صورت بگیرد تا دخل و خرج دولت، حقوق نظامیان و عطایای مردم به صورت قانونی و منظم در آید. بنابراین دبیرخانه بیت المال و اداره

ثبت امور مالی را تأسیس کرد. این کار رفته رفته موجب خشکاندن ریشه فقر، رونق گرفتن جامعه اسلامی شد.

۵- تقویت نیروی ارتش: او به خاطر دفاع از حریم مملکت و گسترش دعوت اسلام و برقراری ثبات و امنیت اجتماعی، اقدام به تقویت ارتش و تشکیل نیروهای پلیس نمود. و برای پرورش و ساختن لشکر قدرتمند از سرداران رشیدی چون: خالد بن ولید رضی الله عنه، ابو عبیده بن الجراح رضی الله عنه، سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه، قعقاع بن عمرو رضی الله عنه و احنف بن قیس رضی الله عنه استفاده می کرد.

۶- پایه گذاری مبدا تاریخ اسلام: عرب در زمان جاهلیت و نیز در صدر اسلام، برای حوادث و ثبت وقایع تاریخ معینی نداشتند و در این زمینه نظرات و دیدگاه های متفاوتی وجود داشت. عمر رضی الله عنه برای حل این وضعیت اهل شورا را جمع کرد و در جلسه پیشنهاداتی مطرح شد اما عمر رضی الله عنه با ذکر دلیل آنها را رد می کرد تا اینکه علی رضی الله عنه پیشنهاد داد که سال هجرت پیامبر ﷺ مبدأ تاریخ اسلام قرار گیرد. این نظر به اتفاق آرای مجلس به دلیل اهمیتی که هجرت داشت تصویب شد و برحسب آن سال، هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه به عنوان مبدأ تاریخ هجری اسلام تعیین گردید.

۷- توسعه عمران و شهرسازی: عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به خاطر پیشرفت مناطق فتح شده و رعایت حال سپاهیان اسلام که در آن مناطق اقامت داشتند اقدام به عمران و آبادی شهرها کرد و شهرهایی مثل بصره و کوفه در سال ۱۶ و ۱۷ هجری احداث نمود. این شهرها خیلی سریع رونق گرفته و به مراکز مهم علمی تجاری و سیاسی در جهان اسلام تبدیل شدند.

## درس هشتم

### **گسترش فتوحات اسلام**

#### **۱- فتح ایران:**

درگیری بین لشکر ایران و سپاه اسلام از سال ۱۲ هجری و در زمان خلافت صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ شروع شد و تا سقوط کامل ساسانیان یعنی اواخر عهد خلافت فاروق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ادامه داشت. در این میان جنگ‌های فراوانی صورت گرفت که فقط به ذکر مختصر مهمترین و سرنوشت سازترین شان اکتفا می کنیم.

(ا) جنگ قادسیه: ایرانیان پس از جدی شدن خطر سپاه اسلام اختلافات داخلی خویش را کنار گذاشته و یزدگرد سوم را به پادشاهی برگزیدند. یزدگرد به منظور قلع و قمع مسلمانان از مستعمره خود یعنی عراق، لشکری ۱۲۰ هزار نفری را به فرماندهی رستم فرخزاد (فرمانده کل ارتش ساسانی)

تدارک دید و آن را به سوی سپاه ۳۰ هزار نفری اسلام به فرماندهی سعد بن ابی وقاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به حرکت درآورد.

بالآخره در سال ۱۴ هجری پس از مذاکرات بی نتیجه، دو لشکر در سرزمین قادسیه به شدت علیه یکدیگر یورش برده و چه بسا در شب نیز دست از مبارزه برنمی داشتند. نهایتاً مسلمانان با عنایت پروردگار و دلاوری های سربازان توانستند در این جنگ هولناک به پیروزی افتخارآفرینی برسند و اهرم های قدرت ساسانیان یعنی رستم، بهمن جادویه (فرمانده پیروزمند جنگ پُل) و جالینوس را در میدان کارزار از پای درآوردند.

سپاه اسلام پس از پیروزی در قادسیه به سوی خاک ایران پیشروی کرد و در سال ۱۵ هجری، تیسفون (پایتخت شاهنشاهی ساسانیان) را فتح نمود. سپس لشکرکشی های مسلمین در این جبهه متوقف شد زیرا امیرالمومنین به فرمانده سپاه اسلام در عراق (سعد بن ابی وقاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) دستور داد تا در این منطقه متمرکز شوند و به استقرار حاکمیت اسلام، اشاعه فرهنگ دینی، گسترش عدالت و رفع محرومیت ها، توسعه عمران و آبادی و تقویت بنیه نظامی پردازند و از پیشروی و نفوذ بیشتر در خاک ایران خودداری نمایند.

ب) جنگ نهاوند: در آن مدتی که مسلمانان در اقلیم عراق به حاکمیت شریعت اسلام و تقویت بنیه های فرهنگی و اجتماعی و امنیتی مشغول بودند، یزدگرد فرصت را غنیمت شمرده و پیوسته برای بازیابی لشکر شکست خورده خود تکاپو می کرد تا آنکه توانست لشکری ۱۵۰ هزار نفری را در نهاوند برای مبارزه مجدد با سپاه اسلام متمرکز سازد.

امیرالمؤمنین از ماجرا اطلاع یافت و لشکری ۳۰ هزار نفری را به فرماندهی نعمان بن مقرن مَزَنی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به سوی او اعزام کرد.

در لحظات نخستین پیکار، فرمانده مسلمانان شهید شد و طبق وصیتش، حذیفه بن الیمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرماندهی لشکر را به عهده گرفت. جنگ ادامه یافت و بالأخره مسلمانان توانستند بر لشکر ایران پیروز شوند و ناچار آنان را به فرار وادار نمایند. در همین اثنا قعقاع بن عمرو رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که یکی از سرداران معروف اسلام بود به تعقیب فیروزان (فرمانده سپاه یزدگرد) شتافت و او را در کوه های نهاوند از پای درآورد.

این جنگ در تاریخ فتوحات به «فتح الفتوح» معروف است. زیرا پس از آن یزدگرد دیگر نتوانست لشکری را برای مقابله با مسلمانان فراهم نماید و راه های نفوذ مسلمانان به درون خاک ایران هموار گشت. سپس مسلمانان به صورت تدریجی، طی دو سال سر تاسر ایران بزرگ را زیر

پرچم خود در آورده و بسیاری از ایالت‌ها و شهرهای زیر را بدون خونریزی فتح نمودند:

- ۱- اصفهان: به فرماندهی عبدالله بن عبدالله بن عثمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۲- قم و کاشان: به فرماندهی ابوموسی اشعری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۳- ری، دماوند، گرگان و طبرستان (مازندران): به فرماندهی نعمان بن مُقَرَّن مَزَنِي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۴- قزوین و زنجان: به فرماندهی براء بن عازب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۵- جندی شاپور: به فرماندهی ابوسیره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۶- کازرون و جهرم: به فرماندهی عثمان بن ابی العاص سقفی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۷- شیراز: به فرماندهی ابوموسی اشعری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۸- فسا و داراب: به فرماندهی ساریه به زُنَيم كِنَانِي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۹- کرمان: به فرماندهی سهیل بن عدی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۱۰- سیستان و بلوچستان: به فرماندهی عاصم بن عمرو و عبدالله بن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۱۱- آذربایجان: به فرماندهی بکیر بن عبدالله رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
- ۱۲- خراسان (طبرس، هرات، نیشابور، سرخس و مرو و ...): به فرماندهی احنف بن قیس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که امیرالمؤمنین عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ او را به خاطر پیشرفت سریع در فتوحات خراسان «سید الشرق» لقب داد.

سرانجام یزدگرد با فرار از شهری به شهر دیگر شوکت خویش را از دست داد و نهایتاً در سال ۳۱ هجری در مرو خراسان توسط خود ایرانیان کشته شد و بدین ترتیب سلسله ساسانیان منقرض گشت.

## ۲- فتح مستعمرات روم:

أ) شام (۱۵- ۱۲ هجری قمری): پس از پیروزی سپاه اسلام در واقعه یرموک سال ۱۳ هجری، گروهی از لشکر روم به سوی دمشق و گروهی به سوی بیت المقدس متواری شدند. در این هنگام به فرمان امیرالمؤمنین سپاه اسلام به دو شاخه تقسیم شد:

شاخه اول: به رهبری ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه و خالد بن ولید رضی الله عنه که به تعقیب رومیان به سوی دمشق روانه شدند و ۷۰ روز شهر دمشق که مرکز قدرت امپراتوری روم در شام بود به محاصره کامل درآوردند. بالاخره در یکی از شب ها که مردم دمشق سرگرم عیش و نوش بودند مسلمانان آن ها را غافلگیر نموده و از روی حصار شهر به داخل حمله بردند. با سقوط دمشق اوایل سال ۱۴ هجری فرمانروایی و نفوذ رومیان در شام تضعیف شد و مسلمین راحت تر توانستند شهرهایی از قبیل فحل، بعلبک، حمص، حماه، بندر لاذقیه، قنسرين و انطاکیه و غیره را زیر پرچم اسلام در آورند و به اصلاح و آبادی منطقه پردازند.

سرانجام هرقل پادشاه روم پس از فرار از شهری به شهر دیگر با دلی پر از حسرت و اندوه با خاک سوریه وداع گفت و به قسطنطنیه پایتخت امپراطوری روم گریخت.

### ب) فلسطین:

شاخه دوم: زیر فرمان عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و معاونت شرحبیل بن حسنه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بود که به تعقیب فلول روم به سوی فلسطین برای فتح آن دیار مأموریت داشت. این سپاه شهرهای بیسان و طبریه را به تصرف خود در آورد و در اجنادین با لشکر قدرتمند به فرماندهی ارطبون که مشهورترین سردار روم بود روبرو شد. جنگ هولناکی در گرفت و در نهایت مسلمانان پیروز شدند ولی ارطبون توانست به سوی ایلیا (قدس) پا به فرار بگذارند.

پس از این پیروزی، شهرهای یافا، نابلس، عسقلان، رمله، عگا، بیروت و... بدون خونریزی حاکمیت اسلام را پذیرفتند و شهر ایلیا در حلقه محاصره کامل سپاه عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قرار گرفت. محاصره به طول انجامید تا بالاخره ساکنان قدس تقاضای صلح کرد و راضی شدند که کلیدهای دروازه های شهر را به مسلمانان بسپارند به شرط آنکه شخص خلیفه بیاید و با آن عهد و پیمان صلح ببندد.

بدین ترتیب شهر قدس در سال ۱۶ هجری توسط امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه را بدون خونریزی فتح شد.

(ج) مصر ۱۸ تا ۲۱ هجری قمری: پس از رهایی شام و فلسطین از قبضه‌ی رومیان، فتح سرزمین مصر یک امر طبیعی بود. زیرا مصر تحت استعمار رومیان به سر می برد و یک تهدید جدی برای امنیت خلافت اسلامی محسوب می شد. سپاه اسلام چاره‌ای نداشت جز آنکه با این خطر قطعی به مقابله برخیزند. بنابراین عمرو بن عاص رضی الله عنه فرمانده سپاه اسلام در فلسطین از امیرالمؤمنین درخواست نمود تا فتح سرزمین مصر را به او محول نماید. پس از موافقت امیرالمؤمنین سپاه اسلام به فرماندهی عمرو بن عاص رضی الله عنه برای فتح مصر به حرکت افتاد و پس از تصرف شهرهای عریش و فرما در حومه شهر بلیس با لشکر روم به فرماندهی اربطون روبرو شد و با همکاری بومیان مصر آنان را در هم کوبید و شهر بلیس را فتح نمود.

عمرو بن عاص رضی الله عنه برای ادامه لشکر کشی‌ها از امیرالمؤمنین تقاضای نیروی کمکی کرد پس از رسیدن نیرو، سپاه اسلام به سوی عین شمس روانه شد و پس از درگیری‌های نظامی شهر به تصرف مسلمین درآمد. سپس عملیات آزادسازی پادگان قدرتمند بابلون آغاز شد و مسلمانان بعد از تار و مار کردن سپاه روم به فرماندهی تیودور (فرمانده کل

ارتش روم در مصر) قلعه بابلون را تسخیر کردند. سپس سپاه اسلام به سوی اسکندریه پایتخت مصر پیشروی کرد و پس از محاصره‌ی آن در سال ۲۱ هجری پرچم پر افتخار اسلام بر بلندای آن به اهتزاز درآمد. بدین ترتیب سرزمین مصر به یک ایالت اسلامی تبدیل شد و مردم از ستم و استبداد روم، رهایی یافتند. عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ پس از فتح اسکندریه در شرق نیل تمرکز یافت و به دستور امیرالمؤمنین شهر فسطاط را بنا کرد و آن را مرکز قدرت مصر قرار داد و رودخانه عظیم نیل را به دریای سرخ متصل کرد.

### **شهادت عمر فاروق:**

ترور امیر المؤمنین عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، نقشه‌ای بسیار پیچیده بوده است که با خودکشی قاتل، در پرده‌ای از ابهام فرو رفت. اما از علائم و قرائن احوال می‌توان گفت که این فاجعه نتیجه توطئه ننگینی است که توسط کینه توزانی از مجوس، یهود و نصاری طرح ریزی شده و با دستان جنایتکاری به نام فیروز ابولؤلؤ مجوسی به اجرا در آمد. دشمنان خلافت بر این باور بودند که عامل اصلی فروپاشی قدرت آنان، شخص امیر المؤمنین است که با نبوغ نظامی و رهبری خویش موجب شکست و رسوایی آنها شده است. بنابراین برای از بین بردن او اقدام کرده تا رفته رفته زمینه برای تضعیف خلافت و تشنج جامعه فراهم گردد. بالاخره امیرالمؤمنین در

هنگام خواندن نماز صبح در محراب رسول خدا ﷺ در روز چهارشنبه ۲۶ ذی الحجه سال ۲۳ هجری توسط ضربات خنجرى ویژه و زهر آگین ابولؤلؤ مورد سوء قصد قرار گرفت و پس از چندین روز در شب یکشنبه اول محرم سال ۲۴ هجری در سن ۶۳ سالگی دار فانی را وداع گفت. مسلمانان به امامت صهیب رومی رضی الله عنه بر جنازه اش نماز گزارده و پیکرش را در کنار مرقد دو یارش به خاک سپردند.

### کلمات ماندگار امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه:

یکی از راه های شناخت شخصیت افراد دقت در کلام آنهاست به همین منظور ما در این بخش مجموعه ای از سخنان حکمت آمیز عمر رضی الله عنه را ذکر می کنیم تا به چگونگی تأثیر شریعت بر انسان ها و وسعت دید آنها پی ببریم. زیرا زبان گشودن به سخنان آموزنده و پر محتوا به قلبی زنده و عقلی سرشار از حکمت نیازمند است و به قول سعدی

تا مرد سخن نگفته باشد      عیب و هنرش نهفته باشد

أ) در باب تقوا:

– «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (هر کس (با انجام فرامین و دوری از گناه) تقوای خدا را پیشه کند خداوند او را از نامالایمات دنیا و آخرت محفوظ می دارد).

- «كُلُّ عَمَلٍ كَرِهَتْ مِنْ أَجَلِهِ الْمَوْتَ فَاتْرُكْهُ ثُمَّ لَا يَضُرُّكَ الْمَوْتُ» «هر کاری که به خاطر آن از مرگ ترسیدی، آن را رها کن. سپس (مطمئن باش) مرگ به تو هیچ زبانی نمی رساند».

### ب) در بحث علم و دانش:

- «إِقْرُوا الْقُرْآنَ تَعْرِفُوا بِهِ، وَاعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ» «قرآن بخوانید، با آن معروف می شوید و به (مفاهیم و سفارشات) آن پایبند باشید، اهل آن (و جزو مسلمانان واقعی) خواهید شد».

- «تَفَقَّهُوا قَبْلَ أَنْ تَسُودُوا» «قبل از رسیدن به مقام و سیادت، فقه و دانش کافی را کسب نمایید». (در دوران بزرگسالی و به خصوص پس از تحمل مسئولیت ها و مشاغل زندگی زمینه کمتری برای کسب علم و دانش فراهم می شود در حالی که دوره نوجوانی و جوانی چنین نیست و راحت تر می توان خود را به پیشرفت و تکامل رساند. لذا باید این فرصت ها را غنیمت شمرد و در جهت آموزش و پرورش خویش کوشا بود).

### ج) در باب اخلاق

- «نَحْنُ قَوْمٌ أَعَزَّنَا اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ، فَلَا نَطْلُبُ بغيرِ اللَّهِ بَدِيلًا» «همانا ما گروهی هستیم که خداوند ما را به وسیله اسلام عزت و شخصیت داد. بنابراین هرگز غیر از خدا، جایگزینی نخواهیم داشت. (زیرا عزت و سرافرازی در دین خدا و ذلت و خواری در آیین های مجازی است).

- «رَحِمَ اللهُ امْرَأً أَمَسَكَ فَضْلَ الْقَوْلِ وَقَدَّمَ فَضْلَ الْعَمَلِ» «خدا بیامرزد کسی که از بیهوده گویی دست بردارد و در مقابل، کارهای مفید و سازنده به جامعه تقدیم نماید».

- «مَنْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتُّهْمِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» «هر کسی خود را در معرض تهمت ها قرار دهد (مثلاً: با افراد فاسق و دوستان ناباب همنشینی کند)؛ در این صورت باید خود را سرزنش کند نه آن کسی که به نسبت او بدگمان شده است».

(د) در مورد محافظت بر سلامت و تندرستی:

- «إِيَّاكُمْ وَالْبَطْنَةَ فَإِنَّهَا مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ، مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ، مَوْرَثَةٌ لِلسُّقْمِ»  
از شکم پروری و پرخوری بپرهیزید. زیرا (انسان را) از خواندن نماز سست و تنبل می کند، بدن را ضعیف و آن را دچار بیماری می سازد».

- «لَا تَزَالُونَ أَصْحَاءَ مَا نَزَعْتُمْ وَنَزَوْتُمْ» «مادامی که اهل تحرک و جست و خیز باشید همواره سالم و تندرست خواهید ماند».

(ه) در بحث مدیریت:

- «لَسْتُ بِعَبٍّ وَلَا الْخَبُّ يَخْدَعُنِي» «فریبکار نیستم و فریبکار نیز نمی تواند ما را فریب دهد. یعنی نه خیانتکارم و نه ساده لوح، بلکه با حکمت و تدبیر زندگی می کنم».

- «كُن لِيْنًا مِنْ غَيْرِ ضَعْفٍ، وَقَوِيًّا مِنْ غَيْرِ عُنْفٍ» «نرمخو باش اما نه از روی ضعف و قدرتمند باش اما نه با توسل به خشونت».

(و در بیان ارزش کار و زندگی شرافتمندانه:

- «حِرْفَةُ يُعَاشُ بِهَا خَيْرٌ مِنْ مَسْئَلَةِ النَّاسِ» «کسب و پیشه ای هر چند ناچیز و کم درآمد که به وسیله آن امرار معاش شود خیلی بهتر از گدایی و توقع از مردم است».

- «أَقْلَلِ مِنَ الدَّيْنِ تَعِشْ حُرًّا» «کمتر قرض کن تا آزاد زندگی کنی (و برده و اسیر دیگران نباشی)».